

GIFT

GIFT
الكتاب الثاني من قرايين
(سورة شفاء)

~~21.9~~

فی علم العرب

في الادوية المركبة والمفردة



490



و بنظر استاد شفا و بر قان ستم و دور و صمدیاع بنظر و اولی و حرمه
و دور اسیر و درم صلب کینه و طبل ال ایضه و حب اقرع و سهوه
کلی و نواض و جمیات بنظر و دور و حبیب و اراض سودا و زنجی
را نفع باشد و غایب جمیع سموم را در افق و منتهی سده بحر و سپهر
و حد و حیض بنظر و اوج غلیظ که در احش باشد و نفع کینه و در اعتراف
بر افزود و در رافقه و در دایه بر انگیزد و مقدار شربت را در سرفه
کنند و در سینه و پهلو که سبب الحاح باشد یا بنظر یک ترسین نام
الصل و زجرت الی و حبیه و عرق و کوب و در نیکو مشکل از شراب
سخت نموده که زنده را در سر که دهند و در سر که در و تر و نفع الی و نفع و از
جهت نفع مضرة و دوشینه شریف الی و شکران و فرقیون و زرا و ا
مشاک اندازد و شراب دهند از جهت فایده و در شفا و در اول

قوتی فراسیدون قطار ایون قطع فضل سفید اسطوخودوس
 در فضل مشکط از شمع کند فقاخ از فقاخی عربی و فقاخ بلخ
 سبیل جوده از هر یک شش مثقال یک کوس و سبب لیوس کوس
 کجا در بوس کجا فقاخس با تخم زعفران و تخم زعفران و تخم زعفران
 جندلیا مار زبانه کل غنوم از هر یک کجا محب بک و جندلیا بک
 قره نا انیسون ارقی از هر یک چهار مثقال جندلیا بک و جندلیا بک
 قوشه عقل البیرو و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 از آن نه و مثقال کجا جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 ناصی و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 بره و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 ماه و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 و آن زمان و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 سال و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک
 و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک

و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک و جندلیا بک

درگاه الوصول و محرم را در راه الی و صاحب حب القرم برادر
طبیعی فصوصم باید و در در ناض و حقیقت بنف و رسو در یک
ترسین ب کرم با شراب و در قوام و تقی معده و مقصی بی
سقوط شهوة و ربو در لفظ صحت و برص یک ترس
بما العسل با شراب و در رقی الفس کینجین عظمی و در جرع
و صداع و شقیق یک ترس باب و در هر فیه و و انک با شراب
سبب و از زجرت اصحاب طفت و از جرم جینیت و طبع
راهی با منظر المینیع با شراب و همد و بر جمع الارض اندک
ان یک طبع و البیتا لکن یک شفا لیس صفت ان از ارض منصل
چس و برنت منقاک افراس اضر و افراس و اندر و فیه و فیه
و در چینی از هر یک است و هما و منقاک و رق کل سرخ و منقاک
و بر سر م بر ابرس غار بقول رب السوس و و غیر یک
از هر یک و و از و منقاک و منقاک و غیران و منقاک و ف

فوقه الزکون